

The Position of *Shūrā* and *Shūrācracy* in the Thought of the (Iranian) *Ahl al-Sunnah*

Mansour Anbarmou¹, Majid Tavassoli Roknabadi², Jalal Derakhshesh³

¹ Ph.D. Candidate, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology, and Political Science, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. mansour_anbarmoo@yahoo.com

² Department of Political Science, Faculty of Law, Theology, and Political Science, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). Tavasoli1@gmail.com

³ Professor, Department of Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. j.dorakhshesh@yahoo.com

Abstract

The central concern of this study is to understand the position of *Shūrā* (consultation) and *Shūrācracy* within the political thought of the Iranian *Ahl al-Sunnah*. The relationship between *Shūrā* and governance has consistently occupied a central place in the discussions of Muslim scholars, giving rise to a wide range of interpretations and theoretical perspectives. In one classification, contemporary theories of *Shūrā* may be distinguished into two principal categories: the General Theory of *Shūrā* (*Shūrā al-Jamā'ah*) and the elitist theory of *Shūrā*. The General Theory of *Shūrā* (*Shūrācracy*) advocates the authoritative nature of consultative governance in contrast to elitist mechanisms centered on an individual ruler or governing institution. As a concept derived from the revealed texts, *Shūrā* has likewise occupied a prominent position among the Iranian *Ahl al-Sunnah*, serving as both a theoretical and practical foundation. At the same time, a review of the political and social history of the Iranian *Ahl al-Sunnah* reveals a spectrum of views and theories advanced by different scholars and intellectual movements, each of which may be classified according to its underlying orientation and its degree of conformity with *Shūrācracy*. This study seeks to examine the Iranian Sunni interpretation of *Shūrā* and to evaluate its points of convergence and divergence with the theoretical foundations of *Shūrācracy*. The principal research question is how, through an examination of the nature and implications of the political reason of the Iranian *Ahl al-Sunnah*, the theoretical foundations of *Shūrācracy* may be conceptualized and its relationship to political system-building determined. Employing a qualitative methodology based on thematic analysis, the study analyzes published works, written sources, and available scholarly investigations, complemented by field observations and in-depth interviews with twenty-five Sunni religious and political scholars. The findings indicate that an examination of the concept of *Shūrā* within the religious culture and political tradition of the Iranian *Ahl al-Sunnah* gives rise to the theories of the *Shūrā* of *Uḥl al-Amr*, the Civil *Shūrā*, the Salafi *Shūrā*, and Collective *Ijtihād* (*Ijtihād Shūrā'ī*). Each of these theories reflects either a maximalist or a minimalist approach to the principles of *Shūrācracy* (the General Theory of *Shūrā*).

Keywords: *Shūrā*; *Ahl Sunnah*; Iran; General Theory of *Shūrā*; *Shūrā* of *Uḥl al-Amr*; *Shūrā al-Jamā'ah*; *Shūrācracy*.

Received: 2025-06-19 ; Received in revised form: 2025-07-09 ; Accepted: 2025-09-13 ; Published online: 2025-12-26

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.2037278.2223>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



جایگاه شورا و شوراکراسی در اندیشه اهل سنت (ایرانی)

منصور عنبرمو^۱، مجید توسلی رکن آبادی^۲، جلال درخشه^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران. mansour_anbarmoo@yahoo.com

^۲ گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Tavasoli1@gmail.com

^۳ استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. j.dorakhshah@yahoo.com

چکیده

مسئله این پژوهش، فهم جایگاه شورا و شوراکراسی در عقل سیاسی اهل سنت ایرانی است. نسبت و مداخلت شورا و حکمرانی همواره در کانون مباحث اندیشمندان مسلمان قرار داشته و به تولید تفاسیر و نظریه‌های متنوع انجامیده است. در یک دسته‌بندی، نظریه شورا در دوره معاصر ذیل دو قسم نظریه عمومی شورا (شوری الجماعه) و شورای نخبه‌سالارانه قابل تمیز است. نظریه عمومی شورا (شوراکراسی)، ناظر بر ولایت‌مندی شورا در برابر سازوکار نخبه‌سالارانه ذیل فرد یا نهاد حاکم است. شورا به‌عنوان یک مفهوم برآمده از نص، نزد اهل سنت ایران نیز از اهمیتی وافر برخوردار بوده و مبنای نظر و (عمل) قرار گرفته است. از سوی دیگر، مروری بر تاریخ سیاسی و اجتماعی اهل سنت ایرانی، بیانگر وجود طیفی از آراء و نظریه‌ها در میان متفکران و جریان‌ها است که هرکدام بنابر درون‌مایه و تطبیق با شوراکراسی، قابل دسته‌بندی هستند. در این پژوهش تلاش شده تاخوانش اهل سنت ایرانی از شورا مورد مذاقه قرار گرفته و وجوه تطابق و تمایز آن با مبانی نظری شوراکراسی ارزیابی شود. سوال اصلی پژوهش این است که با پرسمان ماهیت و مدلول‌های عقل سیاسی اهل سنت ایرانی، چگونه می‌توان زمینه‌های نظری شوراکراسی را صورت‌بندی و نسبت آن را با نظام‌سازی مشخص نمود؟ با بهره‌مندی از روش تحلیل کیفی (تحلیل مضمون) از مجرای بررسی منشورات، مکتوبات و تتبعات در دسترس، مشاهده میدانی و مصاحبه عمیق با ۲۵ عالم مذهبی و سیاسی سنی مذهب، قرائت‌های موجود در فکر سیاسی اهل سنت ایرانی فهم می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با واکاوی مفهوم شورا در فرهنگ مذهبی و سنت سیاسی اهل سنت ایرانی، نظریه‌های شورای اولی الامر، شورای مدنی، شورای سلفی و اجتهاد شورایی طرح و عرضه شده که هر کدام از این نظرات، رویکرد حداکثری و حداقلی به مبانی شوراکراسی (نظریه عمومی شورا) دارند.

واژه‌های کلیدی: شورا، اهل سنت، ایران، نظریه عمومی شورا، شورای اولی الامر، شوری الجماعه، شوراکراسی.

استناد به این مقاله: عنبرمو، منصور؛ توسلی رکن آبادی، مجید؛ درخشه، جلال (۱۴۰۴). جایگاه شورا و شوراکراسی در اندیشه اهل سنت (ایرانی). سیاست

متعالیه، ۱۳(۴): ۱۸۹-۲۰۶. <https://doi.org/10.22034/sm.2024.2037278.2223>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲۹/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

شوری/شورا به عنوان اساس روابط جمعی مسلمانان، از مصرح‌ترین و باسابقه‌ترین سازوکارهای تنظیم مناسبات اجتماعی در اسلام و واجد اهتمام نص، سنت و عرف در راستای بسط حاکمیت مردم است. استدراک نظری نظام سیاسی مردم‌سالارانه و فهم مداخلیت شورا به عنوان الگویی مبتنی بر نص در حکمرانی، همواره در کانون مباحث رهبران سیاسی و اندیشمندان مسلمان قرار داشته و نوعاً آلترناتیو تئوریک نظام سیاسی محسوب می‌شده است؛ با این حال کنش‌گران سیاسی و مذهبی علی‌رغم دسترسی به شورا، استفاده بهینه‌ای از آن نداشته و اغلب در دام مغالطات، تقلیل و فروکاهش آن به مشورت و نظرخواهی مصلحانه فروغلتیده‌اند.

در پژوهش حاضر منظور از شورا، ماهیت و کارکرد خاص آن یعنی «شوراکراسی»^۱ مبتنی بر «نظریه عمومی شورا» است که به شورا به مثابه یک نهاد الزام‌آور - که اداره امور مسلمین را بنابر اصل «ولایت شورا» اعمال می‌نماید - می‌نگرد (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۷).

«توفیق محمد الشاوی» اسلام‌شناس نواندیش مصری، قائل به «نظریه عمومی شورا» است و آن را، اساس آزادی افراد اجتماع، حق فطری، فراگیر و قاعده صریح قرآن برای اداره همه شئونات جامعه اسلامی در نظر می‌گیرد؛ به نحوی که قواعد و ضوابط و احکام فرعی باید از آن صادر شود (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۱۱). برای الشاوی، شورا، منبع تضمین عدالت اجتماعی، بلوغ سیاسی و در مرتبه‌ای بالاتر از دموکراسی است (میرموسوی، ۱۳۷۸: ص ۲). الشاوی بر آن است که مفهوم شورا باید از نظر مفهومی مورد تفکیک و در دو تعبیر عام (به مثابه یک نهاد قانونگذار تام) و خاص (به مثابه مشورت و گفتگو) دسته‌بندی شود. شورا برای الشاوی بستر ارائه نظرات و تنظیم مناسبات میان دولت و جامعه است؛ از این رو می‌توان آن را از حیث کارکردی، همچون وضعیت «دست نامرئی»^۲ آدام اسمیت^۳ در مکتب لیبرالیسم ارزیابی نمود. شورا دال مرکزی فکر سیاسی اهل سنت جهان اسلام و به تبع آن ایران است و فهم زمینه‌ها، الگوها و تحول نظری در آن نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل دارد. واکاوی تفکر سیاسی اهل سنت ایران معاصر با توجه به غیبت دیرپای آنها در فرایندهای سیاسی و اجتماعی ایران در کنار پیچیدگی‌ها و تطورات، از موضوعات کمتر پرداخته شده است که در این پژوهش تلاش می‌شود به این خلاء نظری پرداخته شود.

1. Shuracracy

2. The Invisible Hand

3. Adam Smith

۲. پیشینه پژوهش

با مرور مطالعات اکتشافی، مشخص گردید که تاکنون پژوهش مستقلی در موضوع پژوهش حاضر انجام نشده است، هرچند در برخی پژوهش‌ها، اشاراتی به ایده شورا نزد متفکران شیعی و اهل سنت جهان اسلام شده است. فیرحی (۱۳۷۵) در مقاله «مبانی اندیشه‌های سیاسی اهل سنت» دوره‌های تاریخی اندیشه سیاسی مذهب تسنن جهان اسلام را مرور و پس از تقسیم آن به نص‌گرایی صحابه، تأسیس فقه الخلافه و دوران جدید، وضعیتی از اندیشه نوین اهل سنت ترسیم می‌کند که از سویی متأثر از موقعیت تمدنی غرب و افکار منبعث از آن، و از طرف دیگر، وام‌دار میراث سیاسی‌اش است. علی میرموسوی (۱۳۷۸) در مقاله «تأملی در فقه شورا و مشورت» به تشریح آرای الشاوی با تأکید بر کتاب «فقه الشوری و الاستشاره» و مرور سرفصل‌های اصلی این کتاب و نقد برخی موارد آنها پرداخته است. به اعتقاد میرموسوی، با گرم شدن مباحث مربوط به دموکراسی در جهان اسلام، پاره‌ای از اندیشمندان مسلمان معاصر عرب درصدد برآمدند تا با بازنگری در متون دینی، الگویی برگزینند که هم بتواند پاسخگوی نیازهای زمانه بوده و هم با معارف و ارزش‌های دینی سازگار باشد. فیرحی (۱۳۸۴)، فیرحی در پژوهشی با عنوان «شیعه و دموکراسی مشورتی در ایران» نیز کوشیده تا ضمن اشاره به مبانی مردم‌سالاری شیعی در دو الگوی مشروطه و جمهوری اسلامی، تحولات این دو نظریه را در یکصد سال اخیر مرور نماید. همچنین فیرحی (۱۳۸۸) در مقاله «توفیق محمد الشاوی و نظریه عمومی شوری در اسلام»، به تشریح آرای توفیق محمد الشاوی در خصوص شورا پرداخته است. میراحمدی (۱۳۹۳)، در کتاب «اسلام و دموکراسی مشورتی» به تحلیل نسبت میان دموکراسی مشورتی و شورا با تعبیر «شوراگرایی اسلامی» پرداخته است. نویسنده با تحلیلی هرمنوتیکی به ارزیابی اسلام و بخصوص مفهوم شورا در اسلام پرداخته که فراتر از دموکراسی مشورتی است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل تم (مضمون) و ابزار مصاحبه باز و نیمه‌ساختاریافته به بررسی ماهیت تفکر سیاسی اهل سنت ایرانی حول مفهوم شورا پرداخته است. تحلیل تم، روشی است که علاوه بر تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود در درون داده‌ها، آنها را سازماندهی و توصیف می‌کند. (Braun & Clarke, 2006: p. 79). تحلیل مضمون بر مشاهده متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات پراکنده، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی به صورت رفت و برگشتی مترتب است (Boyatzis, 1998: p. 4). این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی و اسنادی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های تفصیلی و معنادار تبدیل می‌نماید. براساس این روش،

ابتدا نوعی استقرای تحلیلی از داده‌های مصاحبه حاصل و طبقه‌بندی خاصی از آنها ارائه می‌شود. پس از آن، کدگذاری کلی داده‌ها انجام و کدهای منتخب با هدف استخراج تم‌های کلی‌تر و انتزاعی‌تر، مشخص و با یکدیگر ترکیب می‌شوند. از این‌رو در وهله نخست، مضامین موجود از بطن مکتوبات و منشورات در دسترس اهل سنت استخراج و با کشف تم فکری و شبکه مضامین و سپس با انجام مصاحبه عمیق به روش دلفی با ۲۵ نفر از عالمان و شاخصان مذهبی اهل سنت در مناطق غرب، شرق، شمال و جنوب ایران، معنا و سازوکار شورا مطالعه شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها نیز با نرم‌افزار SPSS و کدگذاری تحلیل محتوای کیفی MAXQDA مورد واکاوی قرار گرفته، تا ابرواژگان و نظام مسائل شورا از منظر اهل سنت ایران مورد فهم قرار گیرد.

۴. مبانی نظری

نظریه عمومی شورا و دسته‌بندی ارائه شده از سوی توفیق محمد الشاوی، مبنای نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. نظریه عمومی شورا از مهم‌ترین تئوری‌های مطرح در حوزه شوراکراسی - و بنیاد مهمی برای اصلاح‌طلبی دینی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی - ناظر بر وضعیتی است که در آن شوراکراسی و «ولایت شورا» در حوزه سیاسی و اجتماعی مورد کاربست است. سیر مباحث الشاوی در حوزه شورا، در مجموعه آثار خود از جمله «الحركة الإسلامية؛ رویه مستقبلیه» (۱۹۸۹)، «فقه الشوری و الاستشاره» (۱۹۹۳)، «الشوری اعلی مراتب الديمقراطية» (۱۹۹۴) و «فقه الحكومة الإسلامية» (۱۹۹۵) آمده است. الشاوی در یک تقسیم‌بندی، حکومت شورایی را به دو نوع حکومت شورایی کامله (التزام کامل به شورا) و شورایی ناقصه تقسیم می‌نماید. از نظر الشاوی، شورا از جانب قرآن کریم به عنوان اساس قوانین دولت محسوب شده و آیات قرآن کریم بر وجوب التزام به شورا در امور اجتماعی تاکید دارد. از منظر وی، شورا مرجع بشری در فقه و قانونگذاری است. برای الشاوی، شورا نه یک قاعده منسوخ در گذشته، بلکه به شکل تاریخ‌مند، الگویی مناسب برای تطورات آینده جامعه اسلامی است؛ زیرا بر آینده‌ای مبتنی بر تحکیم اراده آزاد انسان‌ها و استقلال فکر و عمل آنها تاکید دارد (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۲۰). نظریه الشاوی همچنین ظرفیت زمینه‌سازی برای نوعی زمینه‌های منطقه‌گرایی اسلامی و نیز ظهور مناطق متعددی تحت عنوان مناطق آزاد و مستقل از دولت‌ها در جغرافیای جهان اسلام را تدارک می‌نماید؛ زیرا وی استدلال می‌کند که مفهوم حاکمیت امت نه تنها با تعدد دولت‌ها در جهان اسلام و نیز تفکیک قوای درونی دولت‌ها تغایر ندارد، بلکه می‌توان با استناد به شوری، از وحدت امت اسلامی در جهان اسلام دفاع کرد. (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۲۲) الشاوی شورا را «عروه وثقی» در مقام عامل استحکام بخش جامعه اسلامی می‌نامد و - از آنجا که مبانی شورا منبعث از قرآن و شریعت است -

مهم‌ترین مبدأ نظام‌سازی و حکمرانی و به‌مثابه دستور کار ایجاد قانون محسوب می‌شود (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۳۲). از نظر الشاوی، نظام‌سازی و وضع قوانین اجتماعی، مانعی برای تحقق در ساحت عمومی شورا نخواهد بود (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۳۵۵)؛ زیرا مصدر قانون، شورا بوده و سازوکار اعمال آن در جامعه، مبتنی بر تفاهم و تضارب آراء با طی این مراحل است: (۱) شناسایی حق داشتن نظر و ارائه آن از سوی همگان؛ (۲) به رسمیت شناختن حق بحث و تبادل آرای مخالف و موافق با هدف اقناع و اقتناع؛ (۳) شکل‌گیری وضعیت اتفاق نظر عمومی (منظور شرايطی است که جامعه بر ایده‌ای که نزدیک‌تر به عدالت و نظر افکار عمومی است، اجماع می‌یابد) (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۳۵۷).

از نظر الشاوی هر تصمیم عمومی مربوط به مردم باید از طریق شورا اتخاذ گردد و هرنوع تصمیم‌گیری خارج از شورا نامشروع است. در این تفسیر، شورای اسلامی (محل اعمال شوراکراسی) جایی برای مشارکت آزادانه همه افراد اجتماع براساس عدالت و مساوات است. اسلوب شورای اسلامی در اعطای آزادی کامل به افراد جامعه فارغ از جایگاه طبقاتی، قومی و شغلی است (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۳۵۶). تلقی الشاوی از شورا به‌مثابه امری انسانی، اجتماعی، اخلاقی و قرآنی است که با مصدر شریعت اسلامی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی مطرح است (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۲۳). مفهوم شورا از نظر الشاوی عبارت است از مشارکت افراد اجتماع و حضور و همکاری آزادانه آنها در مشاوره و گفتگو قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم. بنابراین، شورا برای جمیع افراد اعم از گروه‌ها و اقلیت‌ها حق گفتگوی آزاد و مناقشه پیرامون ادله و استدلال‌های همه شرکت‌کنندگان را فراهم می‌کند؛ زیرا گفتگو نه بر اراده اکثریت در دموکراسی‌ها، بلکه بر مدار ارزش موجود در هر رأی از حیث حق و عدالت استوار است. الشاوی، اصطلاحات متعلق به شورا در ادبیات اسلامی را مترادف نمی‌داند و برآن است که باید میان واژگان شورا، مشاور و استشاره تمایز قائل شد. وی در یک تحقیق فقهی-تاریخی، ریشه‌های تفکیک میان شورا و استشاره را تا عصر پیامبر تعقیب می‌نماید. از نظر وی، مشاور یا مشورت فراگیرترین واژه در این میان است که به معنای گفتگوی آزاد میان افراد و گروه‌ها در امری از امور زندگانی است. استشاره یا مشورت، امری اختیاری-غیرالزامی بوده که شامل نظرخواهی از صاحب‌نظران و افراد با تجربه در حوزه‌های اختیاری است. استشاره امری توصیه‌ای است؛ در حالی که شورا به‌مثابه نهاد جمعی است که ارجاع و استناد به آن در اتخاذ تصمیمات جمعی الزام‌آور در امور اجتماعی و انشاءکننده قرارهای الزامی در حدود قوانین شرع است. از نظر الشاوی، شورا و مشورت ذاتاً هدف نهایی نیست، بلکه مشروعیت آنها در این است که وسیله‌ای برای تحقق ارزش‌های اساسی جامعه همچون آزادی، عدالت و تنفیذ مقاصد شریعت و اجرای آنها هستند. از این‌رو، شورا باید تابع شریعت باشد (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۲۵).

مبنای قرآنی شورا از نظر الشاوی، آیات سوره شوری، آل عمران و آیات ناظر بر امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، ۱۱۰؛ توبه، ۱۷، ۱۱۲؛ لقمان، ۱۷) است (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۵۳). از نظر وی شورا تنها سازوکار تنظیم و اجرای قواعد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۵۸) و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی چیزی جز جلوگیری از تحمیل اراده افراد و حاکمان به ملت، بدون کسب توافق عمومی از مجرای شورا نیست (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۶۲). الشاوی معتقد است که پس از دوران پیامبر اسلام (ص) که جامعه از ارتباط آسمانی محروم هستند، نظام‌های سیاسی و اجتماعی باید براساس کتاب و سنت و روایات عمل نمایند و شورا امری واجب و لازم است (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۷۲).

۴-۱. درآمدی بر اهل سنت ایران

اهل سنت ایرانی امروز با جمعیت تخمینی میلیون نفری (۱۰ میلیون نفر)، پادارترین و پرجمعیت‌ترین گروه قومی و مذهبی در ایران هستند. در خصوص آمار جمعیتی اهل سنت به دلیل فقدان آمار رسمی، مناقشه بسیار است و طیفی از آرای مختلف در این زمینه وجود دارد (مسائلی، ۱۴۰۲: ص ۱۸). از منظر جغرافیایی، سکونت اهل سنت عمدتاً در مناطق مرزی ایران است، به این صورت که در نوار غربی (کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه)، نوار جنوبی (فارس، هرمزگان، بوشهر)، نوار شرقی (خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان) و نوار شمالی (خراسان شمالی، گلستان، گیلان و اردبیل) کشور، مستقر هستند. از حیث مذهبی اهل سنت نوار غربی و جنوبی، شافعی مذهب، و نوار شرقی و شمالی، حنفی مذهب هستند (سلطانی، ۱۳۹۵: ص ۲۸). از منظر تاریخی خراسان، بلوچستان و کردستان از مراکز سنتی سکونت اهل سنت ایران است؛ با این حال از منظر الگوی استقرار گروه‌های قومی، قوم بلوچ با نیمه دیگر هسته بلوچی در پاکستان پیوستگی قومی دارد. همچنین ترکمن‌ها در شمال شرقی ایران با ترکستان، آذری‌های شمال غربی ایران با آذربایجان و قلمرو کردنشین ایران نیز با دو کشور عراق و ترکیه، ارتباط جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی دارند و اعراب اهل سنت جنوب ایران نیز با اعراب حوزه خلیج فارس (عنبرمو، ۱۳۹۹: ص ۱۷۶).

۴-۲. گونه‌شناسی شورا در نظام فکری اهل سنت ایران

بحث شورا در میان اهل سنت ایران معاصر، پیوند وثیقی با تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر دارد و به تبعیت از اهل سنت جهان اسلام، معطوف به رفع استبداد سیاسی، اصلاح حکمرانی و مشارکت در ساخت قدرت است. شورا در میان اهل سنت ایرانی در قالب چند نظریه، رویکرد و فرهنگ به منصف ظهور رسیده که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. نظریه شورای اولی الامر

نظریه شورای اولی الامر که به «شورای عالی دانشمندان اسلامی» و «شورای عالی اسلامی» نیز مشهور است، از مصادیق نظریه عمومی شورا و رویکرد حداکثری به شورا در امور سیاسی است. در این نظریه رهبری جامعه از مجرای سلسله مراتب شورایی به «خلیفه منصوب و تحت نظارت شورا» واگذار می شود (مفتی زاده، ۱۳۶۱: ص ۳). در این تعبیر از شورا، خلیفه «ولی امت» است، نه «ولی خداوند بر روی زمین». این نظریه توسط احمد مفتی زاده (۱۳۷۱-۱۳۱۳) صورت بندی گردید. از نظر وی، پس از کتاب و سنت، تنها وسیله وحدت و رفع تفرق، «اجتماع اولی الامر» است (نشریه راه ما، ۱۳۹۵، شماره ۲۷)، و نظام شورایی تنها شکل اصیل حاکمیت در اسلام بوده که تا زمان خلیفه چهارم برقرار است، ولی از آن مقطع به بعد استبداد و نظام پادشاهی جایگزین آن شده است. براساس این نظر، تنها راه رهایی جهان اسلام از استبداد و استعمار، وحدت دین و سیاست و برقراری مجدد حاکمیت شورا است (امینی، ۱۳۹۸). مفتی زاده حکومت شورایی را نه رأی شخصی، بلکه امری برگرفته از قرآن و سنت در معنای زمامداری و روش اداره مملکت بر مبنای سنت می دانست (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۹۷). وی معتقد بود پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، مرحله ای جدید از زندگی اجتماعی بشر شروع شده که یک شخص دارای صلاحیت لازم تصمیم گیری برای جامعه نیست. وی با بازسازی تاریخی سلف، نهضت اسلامی را دارای سه مرحله همگام با آیات شورا لحاظ می نماید و مستلزم حرکت از فرد به نهاد شورا است:

۱) مرحله نهضت «یا ایها المدثر قم فأنذر» که شروع فردی حرکت انقلابی است؛

۲) مرحله «شاوهم فی الامر» که رهبر موظف به مشورت با مردم است؛ اما بعد از مشورت شخصاً تصمیم می گیرد؛

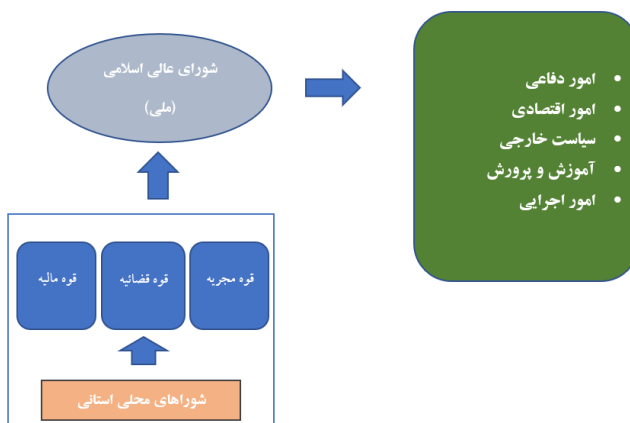
۳) مرحله «امرهم شورا بینهم» که اداره جامعه براساس شورا است (مفتی زاده، ۱۳۶۱).

مراتب و سطوح شورا نیز تابع مراحل به این شرح است:

الف) تشکیل شورای انقلاب شامل شخصیت های اسلامی آگاه در سیاست، اقتصاد و دیگر معارف اسلامی، ب) اجماع دانشمندان اسلامی بر مبنای کتاب و سنت و تطبیق آراء و نظرات و تهیه پیش نویس قانون اساسی، ج) تشکیل شوراهای اسلامی در روستاها و شهرها، د) تجمیع دانشمندان مذاهب اسلامی در «شورای عالی مملکت» و به رسمیت شناختن «شورای مناطق»، از لحاظ مذهبی، ملی و سیاسی و اعطای خودمختاری کامل اسلامی (مفتی زاده، ۱۳۹۵/۱۲/۲۰).

از حیث ساختاری نیز در شورا، همه اعضاء از حقوق سیاسی مساوی برخوردارند و تنها ملاک برتری

آراشان نسبت به یکدیگر، قدرت استدلال است. در این تفسیر اقوام و مذاهب ایران، یک شورای اسلامی از اولی الامر متشکل از دانشمندان اهل استنباط / اهل حل و العقد تشکیل دهند که این شورا تنها رکن حکومت است که سه رکن فرعی قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مالیه را تأسیس می‌نماید. نمایندگانی از این شورا «شورای عالی اسلامی» را تشکیل می‌دهند که این قدرت رکن چهارم فرعی قوه دفاعیه (ارتش)، تعیین سیاست خارجی و نظارت بر اقتصاد، قانون‌گذاری و اجرا را عملیاتی خواهد نمود. شورا اختیار امور اجرایی را به دولت، امور اقتصادی را به قوه مالیه، امور اختلافات و رسیدگی به دعاوی مردم را به دادگستری (قوه قضائیه) و امور دفاع از مرزها و رساندن تبلیغ به جوامع عقب‌افتاده و محروم را به ارتش، یعنی قوه دفاعیه می‌سپارد. در این نظریه آموزش و پرورش اهمیتی فرا اداری دارد و نمی‌توان آن را به ارکان فرعی سپرد، بنابراین، باید مستقیماً در اختیار شورا باشد (مفتی‌زاده، ۱۳۹۵/۱۲/۲۰).



نمودار ۱- ساختار شورای اولی الامر

۴-۲-۲. نظریه شورای مدنی

نظریه شورای مدنی، محصول تبّعات نظری «جماعت دعوت و اصلاح ایران»، از جریان‌های فکری اهل سنت ایرانی است. برخلاف نظریه شورای اولی الامر -که رویکردی حداکثری و سیاست‌گذارانه به شورا دارد- شورای مدنی برآمده از رویکرد محافظه‌کارانه است. هسته اولیه جماعت به‌عنوان یک جنبش فکری به اوایل دهه پنجاه شمسی برمی‌گردد که به دست برخی از علماء اهل سنت کردستان (صلاح‌الدین محمد بهاء‌الدین، ناصر سبحانی و ابراهیم مردوخی) شکل گرفت. جماعت دعوت، خود را تشکلی مدنی در چارچوب اندیشه اسلامی معرفی می‌نماید که برای فراهم نمودن زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه ارزش زندگی فردی و

اجتماعی در پرتو باور به کرامت بشر، آزادی، عدالت و شورا تشکیل شده است (رویکردها و راهکارها، ۱۳۹۰). این جریان روشنفکری در راستای عصری نمودن دین اسلام و احیای حیات دینی تلاش کرده تا خوانشی متعادل در جهت ارتباط با حاکمیت و جامعه شیعی برقرار نماید. از منظر جریان جماعت، شورا مجرای تحقق جامعه مدنی، زمینه تحقق آزادی، مشارکت و همبستگی اجتماعی و روش اداره حکومت و جامعه است. شورا در این تفسیر، ابزاری برای رسیدن به قدرت سیاسی نیست؛ بلکه زمینه‌ای برای اداره فعالیت تشکیلاتی و اصلاح رویه‌های موجود است. از این رو رویکرد جماعت به شورا در قالب نه یک سازوکار سیاسی، بلکه زمینه بسط خرد جمعی جهت اداره امور جامعه و ابزار تحقق جامعه مدنی مسلمان ایران به خصوص اهل سنت است. باور جماعت این است که بعد از دوران پیامبر، تصمیم‌گیری‌های فردی جایگزین سیستم شورایی گردیده که این مسئله سبب تفرقه میان مسلمانان بوده است. جماعت با تأسی از اندیشه اسلام‌گرایان مصر، شورا را سازوکاری برای دفع استبداد سیاسی در نظر می‌گیرد که با توجه به برابری ذاتی انسان‌ها در برخورداری از ارزش‌ها و مسئولیت‌های انسانی و لزوم ریشه‌کن نمودن فردمحوری، به‌عنوان قاعده حاکم بر تنظیم روابط اجتماعی در سطوح خانواده، جامعه و حکومت در نص مقرر شده است (رسول‌پور، ۱۳۹۲: ص ۷۶). از نظر جماعت، اولین راهکار برای تحقق شورا، جاری شدن آن در سطوح اجتماع و آموزش جامعه از خانواده تا واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر است (رویکردها و راهکارها، ۱۳۹۰). آنها با وقوف بر واقعیت‌های سیاسی موجود، تلاش چندانی برای کنش سیاسی معطوف به قدرت سیاسی ندارند و بر مشارکت سیاسی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی متمرکز هستند. اهتمام شورا به مشارکت سیاسی از این‌روست که آن را ظرفیتی مؤثر و قانونی برای استیفای بهتر حقوق و توسعه همه‌جانبه کشور می‌داند (رویکردها و راهکارها، ۱۳۹۰). جماعت بر آن است که اولویت به فعالیت‌های فرهنگی منجر به شکل‌گیری جامعه مدنی و برابری شهروندان فارغ از تمایزات قومی، مذهبی و دینی می‌گردد. بنابر این تفسیر، شورا ابزاری برای بسط دگرپذیری، همزیستی و تفاهم، توسعه خردجمعی، کاهش شکاف‌ها و تنش‌های اجتماعی است.

دموکراسی مشورتی



جامعه اسلامی



خانواده مسلمان



فرد مسلمان

۴-۲-۳. شورای سلف

گروه‌های اسلام‌گرای جهادی سنی در ایران، از سلفی‌گری به عنوان ابزار و منبع هویت‌ساز در راستای اعلام موجودیت در فضای سیاسی و مذهبی استفاده برده و خوانش‌های آنها از سلفیت، بنابر جرح و تعدیل‌های نظری و تاثیرپذیری از شرایط عینی متفاوت بوده است. نظریه شورای سلف توسط گروه‌های سلفی اهل سنت ایرانی در مناطق غربی و شرقی کشور، صورت‌بندی شده که مهم‌ترین عنصر آن، قائلیت به شورا ذیل اراده امیر و خلیفه است (قریشی، ۱۳۹۹: ص ۶۵). تاکید سلفی‌گرایان بر شورا، نخست ناظر بر به رسمیت شناختن سازوکار اهل حل و العقد بوده و در وهله بعد، اطاعت از تصمیمات خلیفه/امیر است (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲: ص ۹۹). از آنجایی که «نظام خلافت» دال محوری تفکر سلفی است؛ هر نوع نظام سیاسی به‌جز آن، انحراف از اسلام تلقی می‌شود. شورا در میان گروه‌های سلفی یکی از برنامه‌های مؤکد اسلام در امور حکومتی است و جنبه قانونگذاری دارد؛ از این‌رو امری واجب است. جامعه آرمانی مدنظر سلفی‌گرایان، احیای نهاد خلافت است؛ جامعه‌ای توحیدی تحت قانون اسلامی برگرفته از کتاب و سنت که توسط اهل حل و العقد و خلیفه اداره می‌شود. در جهان‌بینی این گروه‌ها، خالق و مالک خداوند است؛ از این‌رو حق حاکمیت و قانون‌گذاری نیز به ذات خداوند ارجاع داده می‌شود؛ لذا، نظام سیاسی آن بر همین اصل یعنی حاکمیت اهل حل و العقد پی‌ریزی شده است. از این‌رو جایی برای حاکمیت‌های موجود بشری اعم از حاکمیت فردی، طبقه‌ای، خانواده‌ای و یا همه افراد روی زمین وجود ندارد. امارت اسلامی، ساختار سیاسی منبث از شورا در نظرگاه سلفیت است و براساس سرزمین شکل نمی‌گیرد، بلکه براساس حضور تعداد مسلمانان و بعد از انتخاب امیر است که تشکیل می‌شود. بنابراین، نیازی به وجود سرزمین نیست، بلکه این افراد هستند که امارت را تشکیل می‌دهند (اعظم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۲). نمود عینی کاربست شورای سلفی را می‌توان در گروه‌هایی نظیر توحید و جهاد، انصارالسنه در غرب و گروه جندالله و انصارالفرقان در منطقه شرق ایران جست. استقرار «امارت اسلامی بیاره» در کردستان عراق نیز مهم‌ترین نمود شورای سلفی است که بر فضای فکری غرب ایران موثر بوده است (قریشی، ۱۳۹۹: ص ۸۳).

۴-۲-۴. فرهنگ شورایی

علاوه‌بر رویکرد نظری در حوزه شورا، می‌توان از تثبیت نوعی فرهنگ شورامحور در میان اهل سنت ایران یاد نمود که دو نمود برجسته در مناسبات جمعی در قالب تصوف سنی و اجتهاد و قضاوت شورایی دارد.

۴-۲-۱. تصوف

تصوف سنتی در قالب دراویش و صوفیان، همانند جریان‌های صوفی شیعی در ایران از لحاظ کنش سیاسی و اجتماعی در زمره خاموشی‌گزینان سیاسی قرار دارند. خاموشی‌گزینی^۱ اصطلاحاً به معنای عدم قائل بودن به به عمل سیاسی برگرفته از عقاید مذهبی و تعهدات دینی است. این مفهوم به صورت مشخص در دهه ۱۹۹۰ ذیل مطالعات اسلامی توسط مایکل کوک^۲ برای توصیف عقاید و اعمال خاص در اسلام کلاسیک و مدرن به کار رفت. کوک با دسته‌بندی گفتمان جهان اسلام به دودسته کلی فعال و خاموشی‌گزین از منظر سیاسی، گفتمان غالب تاریخ اسلام را گفتمان فعال و دارای اندیشه و کنش در حوزه سیاسی ارزیابی می‌کند (Cook, 1981: p. 26). شیوخ و طریقت‌های درویشی در کردستان تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی داشته و از نفوذ گسترده‌ای در بین مردم برخوردار بودند. بافت اجتماعی عشیره‌ای کردی مبتنی بر سازوکار واسطه‌گری و میانجی‌گری شیوخ است. مهم‌ترین نقش شیوخ «میانجی‌گری» در کشمکش‌های قبایل و عشایر بود. با این حال در سال‌های اخیر هویتی منسجم‌تر از صوفیان تحت عنوان «یمامه» به معنای (اتحادیه علما و ماموستایان مریوان و اورامان) ابداع شده است.^۳ این اتحادیه که از نظر ساختاری، کردی-عربی است، از مجرای یک سیستم شورایی اداره می‌شود و در بین اعضاء، هرکسی که نظری معقول‌تر ارائه دهد، از طرف اعضاء شورا مقبولیت خواهد داشت.

۴-۲-۲. اجتهاد شورایی

در تفاسیر اهل سنت از نظر اخلاقی و انسانی، رهبر جامعه مسلمانان نمی‌تواند در مسائل عمومی، استبداد به رأی داشته باشد، بلکه باید از اجتهاد شورایی بهره برد. شورایی بودن امور مذهبی و اجتماعی در میان اهل سنت ایران از مشروعیت برخوردار است و تشکیل شوراهای متنوع اعم از شورای استهلال، شورای افتاء، شورای فقهی، شورای علما و شورای راهبردی و شورای مدیریت مدارس علوم دینی از مهم‌ترین مظاهر اجتهاد شورایی است. از منظر علمای اهل سنت، شورا از مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام و ستون فقرات جامعه اسلامی به منظور مدیریت امور مذهبی و سیاسی مسلمانان بوده و اجتهاد شورایی از جمله نمودهای آن در ساحت مذهبی- اجتماعی است (ویسی، ۱۴۰۱: ص ۱۶). الشاوی قائل به تکنیک شورا در امور سیاسی، امور فقهی و اجتهادی است و بر این باور است که تعطیلی اصل شورا در تاریخ دولت اسلامی اگرچه منحصر به

1. Political Quietism

2. Micheal Cook

۳. یکه‌تی ماموستایانی نایینی مهریوان و هه‌ورامان

عرصه سیاست بوده؛ اما در عرصه فقه، علما و مجتهدین مسلمان آزادی عمل داشتند (الشاوی، ۱۹۹۳: ص ۲۵۷).

۵. بررسی تحلیلی

در این بخش با در نظر داشتن موارد بحث شده، با نگاهی تحلیلی، جایگاه و ماهیت شورا نزد اهل سنت ایران بررسی می‌شود. در این پژوهش علاوه بر مطالعه اسناد و متون در دسترس، تلاش شد با ۲۵ عالم اهل سنت ایرانی مصاحبه عمیق صورت گیرد.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

شمار مصاحبه‌شوندگان	جنس	میزان تحصیلات		قومیت		رشته تحصیلی
		۱	۱۶	کرد	۱۱	
۲۵	زن	۱	سطح مقدماتی	بلوچ	۶	معارف، زبان و ادبیات
	مرد	۲۴	سطح دوم، سوم و چهارم، سایر	عرب	۳	عرب، فقه و حقوق، الهیات، جامعه‌شناسی
				ذکر نشده	۵	

تحلیل نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مفهوم شورا نزد اهل سنت ایران در قامت یک سازوکار تاریخی، مجرای انحصاری سیاست‌ورزی و مشروعیت‌کنش سیاسی و اجتماعی لحاظ می‌شود. مطالعه کنش‌های سیاسی و اجتماعی اهل سنت ایران به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد تا جایی که فضا مهیا بوده، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فقهی و آموزشی، مکانیزم شورا نهادینه و بر مبنای آن عمل شده است. تجربه شکست خلافت، گرایش به جمهوری متأثر از نفوذ گروه‌های چپ، موج جهانی شدن دولت و ملت‌های مدرن، و نوعی تمایل به سکولاریسم و مدرنیسم، از عوامل احیاء و کاربست شورا نزد اهل سنت ایران است.

۵-۱. ماهیت و مضامین شورا نزد اهل سنت ایرانی

از نظر متفکران و متألهان اهل سنت ایرانی، شورا یک قاعده جمعی منبعث از قرآن و شرع، الزام‌آور و یگانه سازوکار سیاسی اسلام برای اداره جامعه در ابعاد مذهبی، آموزشی و سیاسی است؛ با این حال نگرش آنها به شورا به مثابه ساختار سیاسی به دلیل واقع‌نگری سیاسی، در اقلیت‌بودگی و محدودیت‌های فکری، دارای امتناع است. مبانی فقه سیاسی اهل سنت که در جهان سنی به نام اندیشه «وسطیه» مشهور است، در ایران به تبع اهل

سنت، جهان اسلام حول ایده «اطاعت» شکل گرفته، اگرچه در برهه‌هایی، اهل سنت شافعی مذهب ایران با عبور از این سطح، شورا را به‌مثابه یک اساس سیاسی در ایران مطرح نمودند.



نمودار ۱- شبکه مضامین شورا در تفکر سیاسی اهل سنت ایرانی

با این حال مفهوم شورا در میان اهل سنت ایران به جز چند برهه خاص، امکان بروز و ظهور سیاسی نیافته و با چرخش از ساحت سیاسی به ساحت‌های مذهبی، اجتماعی و آموزشی سوق یافته است. نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که نوعی ایستایی در بسط تفکر شورا در میان اهل سنت ایرانی وجود دارد که مانع از بالفعل شدن شورا در سطح کلان سیاسی است؛ مواردی همچون واقع‌بینی سیاسی برگرفته از ناممکن بودن (فعالیت) اهل سنت در ساختار قدرت، ترجیح مشارکت و همراهی بر فعالیت سیاسی، تجربیات تاریخی در اقلیت‌بودگی جمعیتی، رضایت نسبی از حاکمیت سیاسی، محدودیت‌های فرهنگی همدلی با سایر اقلیت‌ها در کنار عدم باورمندی به کسب قدرت سیاسی، از برجسته‌ترین عوامل ذکر شده در مصاحبه‌ها است.

۵-۲. جایگاه شورا نزد اهل سنت ایرانی

در باب سنت شورا در میان اهل سنت ایران معاصر می‌توان از دو رویکرد حداکثری و حداقلی سخن به میان آورد. در میان نظریه‌های موجود، نظریه شورا اولی الامر و شورای سلفی، رویکرد حداکثری و شورای مدنی و فرهنگ شورایی رویکرد حداقلی دارند. در نمودار (۱) میزان اثرگذاری شورا از حیث سیاسی و اجتماعی از درجات کمتر به درجات بالا مشخص شده است:



نمودار ۲- جایگاه و میزان اثرگذاری شورا در نظریه‌های اهل سنت در ایران

همچنین نظریه‌های معطوف به شورا نزد اهل سنت ایرانی از جهت دیگری نیز قابل تحلیل است. می‌توان آنها را از حیث تطبیق با نظریه عمومی شورا با تأمل بر شاخص‌های تعریف شده مورد بررسی قرار داد.

جدول ۲- تطبیق نظریه‌های شورا در میان اهل سنت ایرانی با نظریه عمومی شورا

نظریه	شورا در ساختار قدرت	شورایه مثابه	مبنای شورا	کارکرد شورا	دامنه شورا
نظریه عمومی شورا	بالاترین مرتبه	نهاد جمعی و غایت	قرآن و شریعت	سیاستگذار و سیاست	اجتماعی اعم از سیاست و مذهب
نظریه شورای اولی الامر	بالاترین مرتبه	نهاد جمعی و غایت	قرآن	سیاستگذار	اجتماعی اعم از سیاست و مذهب
نظریه شورای مدنی	ذیل فرد و نهاد حاکم	ابزار مشارکت	قرآن و عرف	اجرایی	سیاسی و اجتماعی
نظریه شورای سلفی	ذیل فرد حاکم	ابزار	قرآن	سیاستگذار و اجرایی	سیاسی و مذهبی
فرهنگ شورایی	مستقل از دولت و فرد	ابزار	قرآن و عرف	اجرایی	مذهبی و غیرسیاسی

با توجه به شاخص‌های تعریف شده برای شوراکراسی، در میان نظریه‌های مطرح، نظریه شورای اولی الامر، بیشترین قربت را با نظریه عمومی شورا در ایران دارد. همانند نظر الشاوی که شورا را ارجح بر دموکراسی می‌داند. در نظریه شورای اولی الامر نیز همچون نظر الشاوی نوعی «منطقه‌گرایی اسلامی» (فیرحی، ۱۳۸۸: ص ۱۹) و نگاهی انتروناسیونالیستی به اسلام وجود دارد. مفتی‌زاده با بهره‌گیری از واژگان پرتکرار شامل «وحدت اسلامی جهانی» و «امپریالیسم ستیزی» و تأکید بر «تشکیل شورای عالی دانشمندان اسلامی» از بدل شدن ایران به مرکز ثقل جهان اسلام، دفاع می‌کرد. (مفتی‌زاده، ۱۳۶۱).

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد فهم اهل سنت معاصر ایران از ماهیت و کارکرد شورا مورد بررسی قرار گیرد. مفهوم شورا نزد اهل سنت ایرانی، مفهومی یکپارچه و کلیتی همبسته نیست؛ بلکه به سبب تحولات سیاسی و اجتماعی و تنوع آرای و مذاهب، گونه‌های متعدد نظری اعم از نظام سیاسی شورایی تا یک سازوکار مدنی، آموزشی و مذهبی را دربرمی‌گیرد. متأثر از شرایط انقلابی و رواج اسلام‌گرایی در دهه ۱۳۵۰، اهل سنت ایران در قالب متفکران سیاسی و مذهبی برای پر کردن خلأ سلطنت به نظریه شورا مراجعه و آن را عرضه داشتند. درواقع با توجه به غیبت اهل سنت ایران در تکوین دولت ملی، انقلاب اسلامی فرصت همکاری علمای اهل سنت با نظام سیاسی، به‌منظور ایجاد یک سامانه دولت دینی در ایران را فراهم کرد. به طور کلی سه گونه رویکرد اهل سنت ایران به شورا قابل تمییز است: نخست شورا معطوف به قدرت سیاسی در نظریه شورای اولی الامر، دوم، شورای معطوف به مشارکت سیاسی در نظریه شورای مدنی، و سوم، شورای معطوف به مناسبات اجتماعی در فرهنگ شورایی و تصوف. با توجه به اینکه نظریه شورا برای اهل سنت همواره امری معطوف به قدرت است، عدم حضور اهل سنت در ساختار کلان قدرت و فقدان تشکّل سیاسی در کنار واقع‌بینی، عامل توقف و کم‌باری ادبیات شورا در جامعه فکری اهل سنت است. مروری بر دوره معاصر نشان می‌دهد که اهل سنت ایران هرجایی که امکان و فرصت یافته‌اند، از شورا بهره برده‌اند. از طرف دیگر، فهم ماهیت شورا نزد اهل سنت ایران در گرو تمایز میان دو جریان سنت‌گرایی و نواندیشی دینی سنی نیز است. جریان سنت‌گرا به فقه سیاسی به‌عنوان، دانش معتبری می‌اندیشد و به سیاست از منظر درون دینی و فقه می‌نگرند. از این‌رو شورا، فرع بر سیاست‌ورزی است؛ درحالی‌که نظریه شورای اولی الامر، از منظر نواندیشی دینی به سیاست می‌نگریست و با تکیه بر قرآن و عبور از فقه، شورا را اهمّ اصول در نظر می‌گرفت. نوگرایان دینی اهل سنت، شورا را اساس سیاست اسلامی و شرع لحاظ نموده و همکاری میان علمای اهل سنت و دولت اسلامی را ضرورت تاریخی و فرصتی برای تغییر مکانیسم امر سیاسی لحاظ می‌کردند. پژوهش‌های آینده می‌توانند تلاشی برای فهم نسبت میان نصوص دینی اهل سنت ایران و سنت‌های سیاسی موجود باشند. اینکه حوزه فکر و عمل اهل سنت در خصوص مسئله شورا تا چه میزان خود را بر نصّ تحمیل کرده و وجوه دموکراتیک شورا و وجوه اقتدارگرایانه فقه سیاسی اهل سنت به چه صورتی قابل فهم است.

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیم‌زاده، سامان؛ شریعتی مزینانی، سارا (۱۳۹۶). مکتب قرآن، مومنانی در نوستالوژی امت (مطالعه موردی کردها در ایران). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۰(۳): صص ۷۷-۹۹.
- اعظم‌زاده، منصوره؛ بقالی، هاوژین (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۶(۱۸).
- امینی، حسن (۱۳۹۸). بیانیه‌ها. *نشریه راه ما*، شماره ۲۳-۲۴.
- رسول‌پور، خبات (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی شکل‌گیری جماعت دعوت و اصلاح ایران (اخوان المسلمین) و تحول گفتمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- رویکردها و راهکارها (۱۳۹۰). *مراومه جماعت دعوت و اصلاح ایران*. قابل دسترس در: www.Islahweb.ir
- سلطانی، عبدالظاهر (۱۳۹۵). *اهل سنت ایران، فرصت‌ها و چالش‌ها*. آذربایجان غربی: نشر آراس.
- الشاوی، توفیق محمد (۱۹۸۹). *الحركة الإسلامية: رویه مستقبلیه؛ اوراق فی القدر الذاتی*. تحریر و تقدیم عبدالله النفیسی. کویت: الصفاء.
- الشاوی، توفیق محمد (۱۹۹۳). *فقه السوراء والاستشارة*. مصر: دارالوفاء للطباعة والنشر والتوزيع.
- عدالت‌نژاد، سعید (۱۳۹۲). امتناع تاریخی بازگشت به دوران خلافت، درباره وجوه تشابه و تفاوت سلفی‌گری کلاسیک و نوسلفی‌گری. *مهرنامه*، ۵(۳۷).
- عنبرمو، منصور (۱۳۹۹). شناخت‌شناسی سلفی‌گری در ایران (مطالعه موردی: بررسی رویکرد جریان‌های مذهبی اهل سنت کشور). *تاریخ اسلام و ایران*، ۳۰(۴۷).
- فیرحی، داوود (۱۳۸۴). شیعه و دموکراسی مشورتی در ایران. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۶۷(۵۱۶).
- فیرحی، داوود (۱۳۸۸). توفیق محمد الشاوی و نظریه عمومی شوری در اسلام. *سیاست*، ۳۹(۱).
- فیرحی، داوود (۱۳۷۵). مبانی اندیشه‌های سیاسی اهل سنت. *حکومت اسلامی*، شماره ۲.
- قریشی، جمیل (۱۳۹۹). *گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرایی کردی اهل سنت در دوران پسا/انقلاب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مسائلی، مهدی (۱۴۰۲). *اطلس توصیفی اهل سنت ایران، جغرافیا و جریان‌شناسی مذهبی اهل سنت ایران*. تهران: نشر امیرکبیر.
- مفتی‌زاده، احمد (۱۳۹۵/۱۲/۲۰). *نامه به علمای اهل سنت و مسلمانان آگاه ایرانی*. قابل دسترس در: وبسایت مکتب قرآن. www.moftizadeh.com
- مفتی‌زاده، احمد (۱۳۶۱). *نامه‌ها*، ۳ شهریور ۱۳۶۱. قابل دسترس در:
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۳). *اسلام و دموکراسی مشورتی*. تهران: نشر نی.
- میرموسوی، علی (۱۳۷۸). تأملی در فقه شورا و مشورت. *علوم سیاسی*، شماره ۴.
- نشریه راه ما (نشریه داخلی مکتب قرآن کردستان)*، سندهج، شماره ۲۷. قابل دسترس در: <http://www.maktabquran7>

- ویسی، محمود (۱۴۰۱). چرایی، چگونگی و گستره اجتهاد شورایی. *حبل المتین*، ۱۰ (۳۸-۳۹): صص ۶۱-۸۳.
- Cook, M. (1981). *Activism and Quietism in Islam: the case of the early Murji'a. Islam and power (RLE Politics of Islam)*. London: Routledge.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2): p. 77-101.
- Boyatzis, R.E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*. Sage.